اگر تورم روی کاغذ پایین آمده، چرا زندگی ارزان نمی‌شود؟

سراب ارزانی در آمارهای پاییز



کیمیا ملکی: مهرماه برای خانوارها با یک پرسش آشنا تمام شد: اگر تورم پایین آمده، چرا خرج زندگی همچنان بیشتر می‌شود؟ پاسخ در تفاوت سه عدد نهفته است؛ تورم نقطه‌به‌نقطه به ۸۸.۷ درصد کاهش یافته، اما تورم ماهانه به ۴.۴ درصد و تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است. این ترکیب، نه نشانه ارزان‌شدن زندگی، بلکه تصویری از ادامه افزایش قیمت‌ها با آهنگ‌های متفاوت است. در همین ماه، رشد هزینه کالاهای غیرخوراکی و خدمات از خوراکی‌ها بیشتر بود و آموزش و حمل‌ونقل، افزایش‌های قابل‌توجهی ثبت کردند. هم‌زمان، تورم نقطه‌ای روستاها به ۱۰۷ درصد رسید و فاصله تورم سالانه دهک دوم و دهم، ۱۱ واحد درصد بود. پشت این ارقام، مسئله‌ای فراتر از نوسان یک شاخص قرار دارد: خانوارها برای حفظ سبد مصرف خود به پول بیشتری نیاز دارند، در حالی که کاهش یک نرخ، به‌تنهایی نه قدرت خرید ازدست‌رفته را بازمی‌گرداند و نه نشانه پایان فشار معیشتی در زندگی روزمره مردم است.

فشار تازه بر بودجه ماهانه

تورم ماهانه ۴.۴ درصدی، نزدیک‌ترین تصویر از تغییر هزینه‌ها در فاصله شهریور تا مهر است. اگر یک سبد ثابت در پایان شهریور ده میلیون تومان هزینه داشته و دقیقا مطابق شاخص کل حرکت کرده باشد، تهیه همان سبد در مهر به ده میلیون و ۴۴۰ هزار تومان نیاز داشته است. تفاوت ۴۴۰ هزار تومانی در این مثال، فقط هزینه حفظ مصرف قبلی است؛ نه افزایش کیفیت زندگی، نه خرید کالای تازه و نه جبران هزینه‌های انباشته ماه‌های گذشته. افزایش نرخ ماهانه از ۴.۲ به ۴.۴ درصد، نشان می‌دهد سرعت رشد قیمت‌ها نسبت به ماه قبل بیشتر شده است، هرچند اندازه این تغییر باید دقیق بیان شود: ۰.۲ واحد درصد، نه ۰.۲ درصد. در چنین شرایطی، ثابت‌ماندن درآمد اسمی می‌تواند خانوار را ناچار به انتخاب کند؛ کاهش مقدار خرید، جایگزینی کالای ارزان‌تر یا عقب‌انداختن بعضی پرداخت‌ها. البته داده تورم به‌تنهایی نشان نمی‌دهد چند خانوار چنین تصمیم‌هایی گرفته‌اند؛ تنها شدت افزایش هزینه حفظ سبد ثابت را اندازه می‌گیرد و زمینه احتمالی این انتخاب‌ها را توضیح می‌دهد. از همین رو، سنجش وضعیت معیشت فقط با مقایسه نرخ تورم و افزایش حقوق پایان نمی‌یابد. زمان دریافت درآمد، زمان پرداخت هزینه‌ها و سهم مخارج ضروری نیز اهمیت دارند. خانواری که بخش بزرگی از درآمدش صرف نیازهای غیرقابل‌تعویق می‌شود، امکان کمتری برای جابه‌جایی خریدها دارد. این تفاوت، توضیح می‌دهد چرا یک نرخ متوسط می‌تواند در عمل برای دو خانواده تجربه‌ای متفاوت بسازد؛ بدون آنکه لازم باشد در درستی شاخص تردید کنیم. شاخص، میانگین را روایت می‌کند، نه صورت‌حساب اختصاصی هر خانه را.

وقتی خرج زندگی از سفره فراتر می‌رود

در مهر، تورم ماهانه گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات ۵.۸ درصد و تورم گروه «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲.۴ درصد بوده است. بنابراین، نرخ رشد گروه نخست بیش از دو برابر گروه دوم ثبت شده است. این تفاوت نشان می‌دهد فشار تازه قیمت‌ها را نمی‌توان فقط در خرید مواد غذایی جست‌وجو کرد؛ بخش دیگری از هزینه‌های زندگی نیز با سرعت بیشتری افزایش یافته و مدیریت بودجه خانوار را پیچیده‌تر کرده است.

بااین‌حال، تعبیر این اتفاق به تغییر وزن گروه‌ها دقیق نیست. وزن هر گروه در شاخص، به ساختار سبد مصرف وابسته است و افزایش نرخ تورم آن، لزوما به معنای تغییر وزن آماری نیست. همچنین از این ارقام نمی‌توان نتیجه گرفت تمام خدمات به یک اندازه گران شده‌اند یا خوراکی‌ها دیگر مسئله اصلی خانوار نیستند. نرخ مثبت ۲.۴ درصدی همچنان به معنای افزایش هزینه خرید این گروه است. تفاوت مهر در سرعت رشد گروه‌هاست؛ نه پایان فشار بر سفره و نه اثبات جابه‌جایی دائمی کانون تورم در ماه‌های آینده.

جهش آموزش و هزینه جابه‌جایی

آموزش با تورم ماهانه ۲۳.۵ درصد و حمل‌ونقل با نرخ ۱۰.۷ درصد، افزایش‌های بزرگی در میان گروه‌های مصرفی داشته‌اند. هم‌زمانی جهش آموزش با آغاز سال تحصیلی، توجه را به الگوی فصلی پرداخت‌ها جلب می‌کند؛ دوره‌ای که بخشی از هزینه‌های مرتبط با تحصیل به بودجه خانوار وارد می‌شود. بااین‌حال، برای تعیین سهم دقیق شهریه‌ها، تعرفه‌ها یا سایر اجزای آموزشی باید جزئیات زیرگروه‌ها بررسی شود. عدد کل آموزش، به‌تنهایی علت افزایش را مشخص نمی‌کند. درباره حمل‌ونقل نیز همین احتیاط لازم است. رشد این گروه می‌تواند از تغییر قیمت کالاها و خدمات مختلف آن اثر بگیرد، اما نسبت‌دادن قطعی افزایش مهر به تغییر قیمت بنزین، بدون اطلاعات تکمیلی، مستند نیست. نکته دیگر اینکه بالاترین نرخ رشد الزاماً به معنای بیشترین سهم در تورم کل نیست. گروهی با افزایش کمتر، اگر وزن بزرگ‌تری در سبد داشته باشد، ممکن است اثر بیشتری بر شاخص بگذارد. بنابراین، برای معرفی موتور اصلی تورم مهر، دانستن نرخ‌ها کافی نیست و وزن گروه‌ها نیز باید در محاسبه حضور داشته باشد. همچنین جهش فصلی یک گروه را نباید بدون بررسی به تمام سال تعمیم داد. افزایش هزینه‌ای که عمدتا در شروع یک دوره رخ می‌دهد، ممکن است در ماه بعد تکرار نشود؛ بااین‌حال، سطح بالاتر قیمت آن می‌تواند باقی بماند. برای خانواده، تکرارنشدن جهش با حذف هزینه جدید تفاوت دارد. شهریه یا کرایه بالاتر، حتی اگر دوباره افزایش پیدا نکند، همچنان باید از درآمد پرداخت شود. این همان مرز باریک میان آرام‌شدن آهنگ گرانی و سبک‌شدن واقعی مخارج زندگی است.

فشار یکسان نیست

در میان دهک‌های هزینه‌ای، تورم سالانه دهک دوم ۸۵.۸ درصد و دهک دهم ۷۴.۸ درصد بوده است. فاصله این دو نرخ به ۱۱ واحد درصد می‌رسد؛ یعنی رشد متوسط هزینه سبد دهک دوم در این مقایسه بیشتر بوده است. نکته مهم، استفاده از عنوان دقیق دهک هزینه‌ای است. این طبقه‌بندی بر پایه هزینه خانوار شکل می‌گیرد و هرچند با وضعیت اقتصادی ارتباط دارد، نباید آن را بدون توضیح، معادل اندازه‌گیری مستقیم درآمد یا ثروت دانست. تفاوت تورم دهک‌ها از تفاوت سبد مصرف آنها نیز اثر می‌پذیرد. وقتی گروه‌های مصرفی با سرعت یکسان گران نمی‌شوند، خانوارهایی با الگوی هزینه متفاوت، تورم متفاوتی تجربه می‌کنند. بااین‌حال، برای سنجش افت واقعی قدرت خرید باید تغییر درآمد، مستمری یا حمایت دریافتی هر گروه نیز معلوم باشد. آمار موجود از فشار قیمتی بیشتر بر سبد دهک دوم خبر می‌دهد، اما میزان دقیق کاهش رفاه را تعیین نمی‌کند. همچنین وجود شکاف در مهر، به‌تنهایی دلیل بزرگ‌ترشدن آن نسبت به ماه قبل نیست؛ سطح نابرابری تورمی با روند تغییر آن تفاوت دارد. در طراحی حمایت نیز یک مبلغ یکسان، الزاما اثر جبرانی یکسان ندارد. اندازه خانوار، محل سکونت و ترکیب هزینه‌ها می‌تواند نتیجه را برای خانوار تغییر دهد. از این منظر، اطلاعات دهکی و منطقه‌ای فقط ضمیمه گزارش تورم نیست؛ ابزاری برای دقیق‌ترکردن تصمیم‌هاست. البته انتخاب شیوه حمایت، به شناخت منابع قابل‌اتکا هم نیاز دارد. اگر تأمین مالی برنامه جبرانی خود فشار پولی تازه‌ای ایجاد کند، بخشی از اثر حمایت ممکن است با افزایش بعدی قیمت‌ها از بین برود و هدف اولیه تضعیف شود.

از شوک قیمت تا مسئله ماندگار

برای تحلیل تداوم تورم، باید میان افزایش مقطعی بعضی قیمت‌ها و سازوکارهای استمرار رشد عمومی قیمت‌ها تفاوت گذاشت. تغییر یک تعرفه یا قیمت تحت کنترل می‌تواند در کوتاه‌مدت شاخص را بالا ببرد، اما توضیح ماندگاری تورم به بررسی وضعیت بودجه، تأمین مالی، شبکه بانکی، رشد نقدینگی و انتظارات نیاز دارد. داده‌های یک ماه، به‌تنهایی سهم هریک از این عوامل را مشخص نمی‌کنند و نمی‌توان از آنها نتیجه گرفت که فقط یک عامل مسئول وضعیت موجود است.

کسری بودجه، اگر با شیوه‌های پول‌زا تأمین شود، می‌تواند به استمرار فشار تورمی کمک کند. از سوی دیگر، افزایش قیمت خدمات عمومی ممکن است بخشی از کسری منابع را کاهش دهد، اما هم‌زمان هزینه مستقیم خانوار را بالا ببرد. نتیجه نهایی به جزئیات اجرا، نحوه مصرف منابع و سیاست‌های پولی و حمایتی بستگی دارد.



بنابراین، اصلاح قیمت‌ها نه ذاتا تضمین‌کننده مهار تورم است و نه به‌تنهایی توضیح کامل جهش آن. معیار ارزیابی، کاهش پایدار عوامل تورم‌زا و محدودشدن فشار بر زندگی خانوارها در طول زمان است.

سخن پایانی

مهرماه نشان داد که برای قضاوت درباره تورم، نمی‌توان به یک عدد تکیه کرد. کاهش نرخ نقطه‌ای، وقتی با افزایش تورم ماهانه و سالانه همراه است، هنوز نشانه کافی برای آسوده‌شدن خانوارها نیست. مسئله اصلی، ادامه رشد هزینه سبد مصرف و تفاوت شدت این رشد میان گروه‌های مختلف است؛ از خانوار روستایی تا دهک‌هایی که ترکیب هزینه‌شان آنها را بیشتر در معرض گرانی قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی، سیاست موثر باید هم‌زمان دو افق داشته باشد: مهار زمینه‌های ماندگار تورم و حمایت سنجیده از خانوارهای آسیب‌پذیر. هیچ‌کدام جای دیگری را نمی‌گیرد؛ حمایت بدون ثبات، زیر فشار قیمت‌ها فرسوده می‌شود و ثبات بدون توجه به هزینه گذار، می‌تواند معیشت را دشوارتر کند. نشانه بهبود واقعی زمانی پدیدار می‌شود که کاهش تورم در چند ماه دوام بیاورد، دامنه آن گسترش یابد و درآمد خانوار توان بیشتری برای پوشش هزینه‌ها پیدا کند. تا آن زمان، پایین‌آمدن یک نرخ، با ارزان‌شدن زندگی فاصله دارد.

سه عدد، سه روایت از گرانی

برای فهم تصویر مهرماه، باید سه شاخص تورم را از یکدیگر جدا کرد. تورم ماهانه، تغییر قیمت سبد مصرفی نسبت به ماه قبل را نشان می‌دهد؛ تورم نقطه‌به‌نقطه، همین سبد را با ماه مشابه سال گذشته مقایسه می‌کند؛ تورم سالانه نیز حاصل مقایسه میانگین شاخص قیمت در دوازده ماه اخیر با میانگین دوازده ماه پیش از آن است. بنابراین، متفاوت‌بودن جهت حرکت این شاخص‌ها تناقض نیست؛ هرکدام از زاویه زمانی متفاوتی به یک مسیر نگاه می‌کنند. در مهر، تورم نقطه‌ای نسبت به شهریور ۱.۱ واحد درصد کمتر شد، اما تورم ماهانه ۰.۲ واحد درصد افزایش یافت. هم‌زمان، نرخ سالانه نیز ۳.۲ واحد درصد بالا رفت. معنای این وضعیت روشن است: فاصله قیمت‌ها با مهر پارسال اندکی کمتر از فاصله ثبت‌شده در مقایسه قبلی شده، ولی قیمت‌ها در مقایسه با شهریور همچنان افزایش یافته‌اند. برای خانواری که خریدهای جاری خود را با موجودی حسابش تطبیق می‌دهد، همین افزایش ماهانه ملموس‌تر است؛ چون پرداخت‌های تازه، نه با مقایسه‌های آماری، بلکه با قیمت روز انجام می‌شوند.

کاهش نرخ، نه کاهش قیمت

کاهش تورم نقطه‌ای از ۸۹.۸ درصد به ۸۸.۷ درصد، به معنای پایین‌آمدن سطح عمومی قیمت‌ها نیست. این عدد می‌گوید هزینه یک سبد مشخص در مهر امسال، به‌طور متوسط ۸۸.۷ درصد بیشتر از مهر پارسال بوده است. به زبان ساده، سبدی که سال گذشته یک میلیون تومان قیمت داشت، با فرض حرکت دقیق مطابق شاخص کل، امسال حدود یک میلیون و ۸۸۷ هزار تومان هزینه دارد. این مثال، توضیح مفهوم شاخص است، نه برآورد هزینه واقعی همه خانوارها. اثر پایه نیز در تغییر تورم نقطه‌ای اهمیت دارد. وقتی قیمت‌های ماه مشابه سال قبل رشد زیادی کرده باشند، نرخ مقایسه سالانه می‌تواند کاهش پیدا کند، حتی اگر قیمت‌های ماه جاری همچنان بالا بروند. بااین‌حال، از یک مشاهده ماهانه نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام کاهش اخیر فقط ناشی از اثر پایه است یا اقتصاد قطعا وارد مسیر مهار تورم شده است. تشخیص تغییر پایدار، به بررسی چند ماه متوالی و جزئیات گروه‌های مصرفی نیاز دارد؛ چیزی فراتر از پایین‌آمدن یک عدد در یک ماه.

سالانه‌ای که هنوز بالا می‌رود

رسیدن تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد، از ماندگاری فشار در بازه‌ای طولانی‌تر خبر می‌دهد. این نرخ نسبت به شهریور، که ۷۳.۶ درصد بود، افزایش یافته است. برخلاف تورم ماهانه، شاخص سالانه به تغییرات یک ماه محدود نیست و رد افزایش قیمت‌های ماه‌های گذشته را نیز در خود دارد. به همین دلیل، حتی اگر در آینده سرعت رشد ماهانه کاهش یابد، پایین‌آمدن تورم سالانه می‌تواند با تأخیر اتفاق بیفتد؛ زیرا میانگین‌ها به‌تدریج تغییر می‌کنند. عدد شاخص کل قیمت نیز در مهر به ۷۶۱.۸ رسیده است. این عدد را نباید با نرخ تورم اشتباه گرفت: شاخص، سطح نسبی قیمت سبد را در مقایسه با سال پایه نشان می‌دهد، نه درصد افزایش قیمت در یک ماه یا یک سال. برای خواننده، تمایز این دو ضروری است؛ زیرا کنار هم قرارگرفتن اعداد بزرگ، بدون توضیح معنای آنها، می‌تواند تصویری نادرست بسازد. پیام اصلی مهر از ترکیب شاخص‌ها به دست می‌آید: رشد جاری قیمت‌ها ادامه دارد و میانگین هزینه‌ها نیز همچنان از دوره مقایسه فاصله می‌گیرد.

روستا؛ آن‌سوی میانگین کشوری

تورم نقطه‌به‌نقطه مناطق روستایی در مهر ۱۰۷ درصد و در مناطق شهری ۸۵.۵ درصد ثبت شده است؛ فاصله‌ای معادل ۲۱.۵ واحد درصد. این ارقام نشان می‌دهند هزینه سبد شاخص روستایی، نسبت به مهر سال گذشته بیش از دو برابر شده است. البته این گزاره درباره متوسط سبد آماری است و نباید آن را به دوبرابرشدن قیمت تک‌تک کالاها یا هزینه یکسان همه خانوارهای روستایی تعمیم داد. تفاوت تجربه خانوارها، درون هر منطقه نیز وجود دارد. شکاف شهر و روستا می‌تواند با تفاوت ترکیب مصرف، سهم گروه‌های کالایی و تغییر قیمت اقلام در هر منطقه ارتباط داشته باشد. اما تعیین سهم هر عامل به داده‌های تفصیلی نیاز دارد. همچنین روستایی‌بودن را نباید معادل محرومیت همه خانوارها دانست؛ همان‌طور که شهری‌بودن به معنای برخورداری نیست. آنچه آمار با قطعیت نشان می‌دهد، شدت بیشتر رشد سالانه قیمت سبد روستایی است. برای سیاست حمایتی، همین تفاوت مهم است: میانگین کشوری ممکن است فشار واردشده بر برخی مناطق را کمتر از اندازه واقعی آن بازتاب دهد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک سیستان و بلوچستان

آگهی ابلاغ رای صورت مجلس افراز ۱۴الف ۲۳۰

پیرو اخطاریه افرازی ۱۱۴۷۸ –مورخ ۱۴۰۵/۰۴۷/۰۶ درخواست کتبی آقای امیرحسین اشترک پلاک ۱۹ – اصلی واقع در بخش ۵ سیستان شهر زهک که سهم آن موجب صورت مجلس افرازی شماره ۱۰۹/۱۷۸۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۵ افراز و حدود و مشخصات قطعات افرازی بدین نحو:

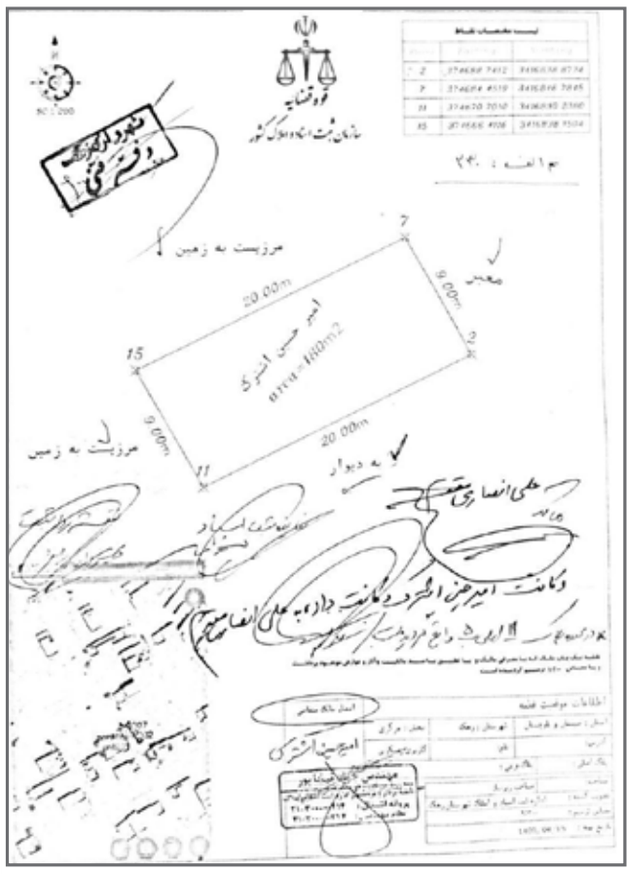
قطعه افرازی: ششدانگ یک قطعه زمین محصور مساحت ۱۸۰ مترمربع پلاک ۱۱۲۹ فرعی از ۱۹- اصلی مجزی شده از اصلی مذکور واقع در بخش ۵ سیستان شهر زهک منشعبه از جاده کهک می‌باشد.

با حدود اربعه: شمالا: بطول ۲۰متر پی است به باقیمانده پلاک ۱۹- اصلی **شرقا:** بطول ۹ متر جای درب و دیواریست به معبر **جنوبا:** بطول ۲۰ متر پی است به دیوار باقیمانده پلاک مذکور **غربا:** بطول ۹ متر پی است به باقیمانده پلاک مرقوم. حقوق ارتفاقی ندارد و در سهم و تصرف امیر حسین اشترک فرزند علی قرار دارد بها طبق ارزیابی ۳۰ میلیون ریال می‌باشد.

حدود و مشخصات قسمت باقیمانده پس از کسر قطعات افرازی قبلی و فعلی بشرح پرونده ثبتی و در سهم سایر مالکین مشاعی قرار دارد ....لذا مراتب طبق ماده ۶ آئین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع و ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع و ۱۷ آئین‌نامه اسناد رسمی لازم‌الاجرا قانون ثبت آگهی می‌گردد و تا چنانچه اعتراضی نسبت به عملیات افرازی دارند از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به دادگاه زابل (محل وقوع ملک) تسلیم و گواهی لازم اخذ و به این اداره ارائه نمایند در غیر اینصورت پس از گذشت مدت قانونی ارائه گواهی لازم از مراجع قضایی توسط متقاضی مبنی بر نرسیدن اعتراض سند مالکیت قطعی افرازی با حدود و مشخصات فوق بنام وی صادر خواهد گردید.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۰۱۱

ثبت اسناد و املاک شهرستان زهک



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک سیستان و بلوچستان

آگهی ابلاغ صورت مجلس افراز قسمتی از پلاک۱۹–اصلی ۱۴الف ۲۳۳



احتراما، پیرو آگهی دعوت به افراز ۱۰۹/۴۶۸ -۱۴۰۵/۰۲/۲۲ مندرج در روزنامه رسالت بشماره ۴۲۷۰- ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ چون قسمتی از پلاک ۱۹- اصلی واقع در بخش ۵ سیستان شهر زهک به موجب صورتمجلس افراز شماره ۱۰۹/۱۸۶۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ مورد عمل افراز واقع گردیده حدود و مشخصات قطعات افرازی متعلق به آقای امان‌اله دست موسی ناروئی می‌باشد بشرح ذیل اعلام می‌گردد؛

ششدانگ یک قطعه زمین محصور مساحت کلی ۱۹۹/۴۳ مترمربع پلاک ۱۱۴۴ فرعی از ۱۹- اصلی مجزی شده از اصلی مذکور واقع در بخش ۵ سیستان شهر زهک کوچه منشعبه از جاده کهک می‌باشد .

با حدود اربعه: شمالا: اول بطول ۱۰ متر مرزیست به باقیمانده پلاک ۱۹ – اصلی **شرقا:** بطول ۱۹/۹۵ متر مرزیست باقیمانده پلاک مذکور **جنوبا:** به طول ۱۰ متر مرزیست معبر **غربا:** بطول ۱۹/ ۹۴ متر مرزیست به باقیمانده به پلاک ۱۹- اصلی. حقوق ارتفاقی ندارد و در سهم و تصرف امان‌اله دست موسی ناروئی می‌باشد بها طبق ارزیابی ۲۹ میلیون ریال می‌باشد.

حدود و مشخصات قسمت باقیمانده پس از کسر قطعات افرازی قبلی و فعلی بشرح پرونده ثبتی و در سهم سایر مالکین مشاعی قرار دارد..... ....لذا مراتب با اختیارات حاصله طبق ماده ۵ و ۶ آئین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷ و ۱۸ آئین‌نامه اسناد رسمی لازم‌الاجراء قانون ثبت آگهی می‌گردد و به اطلاع سایر مالکین مشاعی پلاک مرقوم و اشخاص ذوی‌الحقوق و صاحبان و مالکان و کسانیکه حق و حقوقی در این ملک دارند می‌رسانند تا چنانچه طبق ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع چنانچه اعتراضی نسبت به عملیات افرازی دارند می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی ابلاغ افراز ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به مراجع صالحه قضایی (محل وقوع ملک) تسلیم و گواهی لازم اخذ و به این اداره ارائه نمایند والا حق او ساقط خواهد شد در غیر اینصورت پس از گذشت مدت قانونی و ارائه گواهی لازم از مراجع قضائی توسط متقاضی مبنی بر نرسیدن اعتراض سند مالکیت افرازی با حدود و مشخصات فوق بنام وی صادر خواهد گردید.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۰۱۱

ثبت اسناد و املاک شهرستان زهک